

تحلیل تاثیر عوامل فرهنگ بومی بر هویت معماری؛ نمونه موردی: روستای کندلوس نوشهر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

کد مقاله: ۷۱۳۷۲

مهدی الکایی بهجتی^{۱*}، الهام فرهادی^۲

چکیده

فرهنگ نقش غیر قابل انکار پذیری در طراحی مسکن دارد همین طور به نقش معماری، به عنوان یک هنر بصری، که کالبدی عینی برای تجلی فرهنگ است و هویت به عنوان یکی از راه های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه ها، فرم ها و نمادهای شهری و ویژگی های بصری و کالبدی ادراک می گردد. هدف از این پژوهش بررسی عوامل موثر فرهنگی بر هویت معماری بومی مازندران می باشد. با توجه به اینکه هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری وظیفه عینیت بخشیدن یک اندیشه ذهنی از روی فرم ظاهر است بلکه می تواند نمودی برای سنجش فرهنگ باشد. به همین منظور روستای کندلوس در استان مازندران به عنوان نمونه موردی انتخاب شد. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. روش تحلیل آن با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۴ انجام شد. نتایج نشان می دهد عوامل فرهنگی نقش مؤثری در تغییر بافت بومی معماری منطقه داشته است، بیشترین تأثیر را دانستنی ها و دانش روز و کمترین آن مربوط به قوانین می باشد.

واژگان کلیدی: هویت، فرهنگ، معماری بومی، مازندران، کندلوس

۱- دانشجوی دکتری معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسئول)

Paradise_agency2004@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت ایران

۱- مقدمه

در عصر جدید و پدیده جهانی شدن که بی‌هویتی از بلایایی آن است. لزوم و خلق عناصر هویتی فرهنگی در شهر بیش از گذشته ضرورت می‌نماید. امروزه همه از بی‌هویتی، یکنواختی و کسالت باربودن شهر و فضاهایش می‌نالند (پاکزاد ۱۳۸۶). شهرهای امروزی به دلیل رشد روز افزون شهرنشینی و همچنین طراحی عناصر معماری بدون در نظر گرفتن پیشینه شهرها به جای ایجاد حس آرامش و بهبود روابط میان شهروندان، موجب بروز اغتشاش و عدم امنیت روانی ساکنین شهرها شده است (محمدآذرینا ۱۳۹۶). هویت به عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه‌ها، فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی ادراک می‌گردد (امین‌زاده ۱۳۸۹). ادوارد تایلر تعریفی اینگونه بیان کرده است: فرهنگ مجموعه‌های پیچیده است که در برگزیده دانستیها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است (خاکپور و شیخ ۱۳۹۰). پایبندی معماران به وجوه فرهنگی از این جهت اهمیت پیدا میکند که طراح به منزله‌ی پرورش دهنده، موجب تقویت پیوندهای مردمی می‌شود. زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط با توجه کامل به وجوه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است (گروت ۱۳۸۴). انگیزه خلق عناصر هویتی فرهنگی در معماری یکی از تلاش‌های قابل ستایش بشر برای متمایز ساختن خانه، شهر و کشور خویش، برای ستایش و افتخار به باورهایش می‌باشد. (فلامکی ۱۳۸۳) معماری بومی هر منطقه در عین سادگی بیانگر روح فرهنگ و اقلیم آن منطقه است و تاثیر آداب رسوم، باورها و اعتقادات مردم بومی در آن به خوبی دیده می‌شود. در مازندران ساختمان همواره بخشی از طبیعت بوده و معماری مازندران چه در نوع مصالح بکار رفته در ساخت و چه در طرح و ظاهر کالبد هماهنگی کاملی با بستر محیط و طبیعت اطراف خود داشته است (رحمتیان قادیکلای ۱۴۰۰). هدف این پژوهش بررسی عوامل موثر فرهنگی بر هویت معماری بومی مازندران می‌باشد.

با توجه به مطالبی که ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ نقش غیر قابل انکارپذیری در طراحی مسکن دارد همین طور به نقش معماری، به عنوان یک هنر بصری، که کالبدی عینی برای تجلی فرهنگ است، اشاره شد چالش بزرگی که معماری امروز با آن مواجه است عدم توجه به فرهنگ ساکنین در طراحی فضاها است. معماران امروز بایستی مسئله بحران هویت فرهنگی را جدی گیرند و سعی کنند با آن به مقابله بپردازند (یاسمی و کاتب، ۱۳۹۴). در ناحیه شمال ایران با توجه به شرایط خاص آب و هوایی، فرهنگ مردم بومی و اقتصاد اقلیم معتدل و مرطوب (که اکثراً مبتنی بر کشاورزی، دامپروری و کشت برنج و شالی کاری است) و عوامل اقلیمی و زیست محیطی، نوع خاصی از معماری ابنیه طی سال‌ها شکل گرفته که خصوصیات برونگرا و همسو با طبیعت و در تعامل کامل با آن داشته است. اما رفته رفته در گذار از دوران پهلوی اول و به خصوص پهلوی دوم شرایط ساختمان سازی و سیستم‌ها، مصالح و کالبد آن در شهرها و روستاها رو به تغییر رفته است. (رحمتیان قادیکلای ۱۴۰۰) مهم ترین دلایل این تغییرات را می‌توان در سه دسته: ۱. عوامل اقتصادی ۲. استفاده از مصالح نوین ۳. عوامل فرهنگی دسته بندی کرد.

عامل فرهنگی را می‌توان در صدر عوامل تاثیرگذار بر گسست معماری منطقه در نظر گرفت. (رحمتیان قادیکلای ۱۴۰۰). روستای کندلوس به دلیل عواملی چون قدمت بسیار زیاد، واقع شدن در مسیر پر تردد جاده تهران-چالوس، عواملی چون بهره گیری از مصالح بومی در احداث ابنیه، برخورداری از بافت در انطباق با ویژگی‌های اقلیمی، انطباق ساختار فضایی روستا با عوامل طبیعی و فرهنگی، وجود قابلیت‌های گردشگری و... واجد ارزش قلمداد گردیده. (اسلامی ۱۳۹۴). هدف این پژوهش بررسی تاثیر عوامل فرهنگی بر هویت معماری بومی می‌باشد برای رسیدن به خدفا پژوهش محقق به دنبال پاسخ به سوالات زیر می‌باشد:

- با توجه به آنچه ذکر شد چطور میتوان از تغییرات پیشرونده ی بافت بومی این روستاها از جمله روستای کندلوس جلوگیری کرد؟
- آیا بررسی عامل فرهنگی و میزان تاثیر آن به عنوان مهم ترین عامل می تواند زمینه هایی را برای پیشگیری از این موضوع فراهم کند؟
- کدام عامل فرهنگی بیشترین تاثیر را در تغییر هویت معماری بومی دارد؟

۲- فرهنگ، هویت

۲-۱ هویت

منظور از هویت، پاسخی است که به پرسش در خصوص کیستی یا چیستی موجودات داده می‌شود و در واقع، هویت آن حقیقت وجودی است که شخص یا شیء از آن برخوردار است. گفته می‌شود تنها پدیده‌های که دغدغه هویت دارد، انسان است. انسان همواره به دنبال ابزاری می‌گردد که خود را به واسطه آن تبیین کند. از سوی دیگر فرد با حضور و رشد یافتن در جمع، علاوه بر آن که دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط شخصی با دیگران می‌گردد بلکه با گفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شود، هویت جمعی می‌یابد (سلسله و سلسله ۱۳۸۸).

هویت شهری: بنابر این ارزش های فرهنگی و معماری - شهرسازی، تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. این امر به ویژه تأثیری که معماری و شهرسازی بر فرهنگ می گذارند بسیار پیچیده و قابل توجه می باشد. به اجمال می توان گفت که گام نخست فرهنگ جامعه بر شیوهی شهروندی و فعالیت های عموم مردم و در نتیجه بر روند خلق فضای شهری تأثیر مستقیمی دارد. هویت بخشی به دگرگونی فرهنگی جامعه تاکید دارد و گام دوم معماری و شهرسازی تحت تأثیرات هدفمند سبک زندگی و ارتباط انسان ها با یکدیگر و در نتیجه بر هویت شهروندان دلالت دارد. (کریمی، مهری، ۱۳۹۴).

انواع معماری:

معماری مردمی: معماری طبیعی و محلی مردم یک سرزمین که بر اساس نیازشان بوجود آمده است. معماری بومی: شکل پیشرفته از نوع مردمیست و با اقلیم و آب و هوا، فرهنگ مصالح بومی آن منطقه مرتبط می باشد. معماری سوداگر: که میتوان آن را معماری تمدن جدید نامید که بیشتر در پی منفعت طلبی و استفاده های مادی هست تا معماری اما مهمترین معماری آن است که برگرفته از فرهنگ آن جامعه باشد و انعکاسی از فرهنگ بومی آن منطقه را به نمایش بگذارد. (ارجمندی ۱۳۹۵)

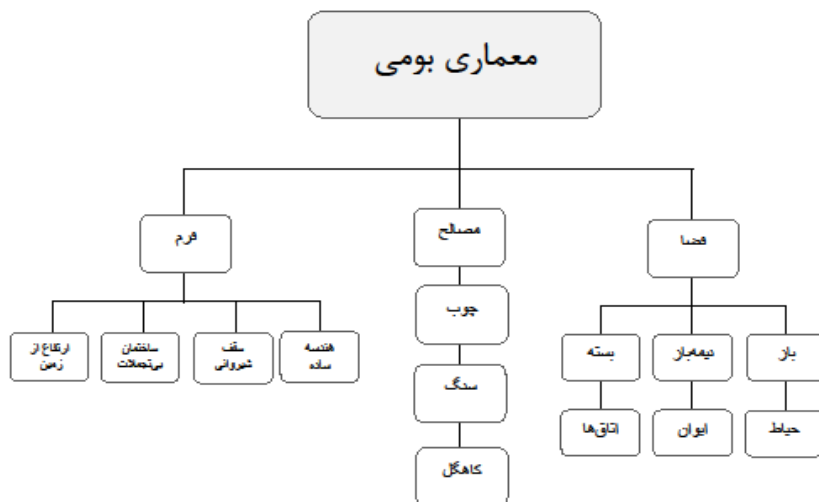
۲-۲- معماری بومی

بنابر تعریفی که پال الیور از معماری بومی دارد، معماری بومی آنگونه از معماری است که از درون جوامع رشد می کند و طی زمان خود رابا شرایط اجتماعی و اقلیمی و فناوری سازگار می سازد و تکامل می یابد و با ارزش ها، اقتصاد و شیوه های زندگی فرهنگ هایی که مولد آن ها هستند سازگار می باشند و یا به طور خلاصه معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است. (محدی ۱۳۸۸) در این تعریف یکی از شاخصه های معماری بومی، مشارکت مردم در ساخت این گونه از معماری قابل ملاحظه است و همچنین توجه به ارزش ها و همسازی آن همراه با طبع طبیعت است. در جایی دیگر راپاپرت نیز اینگونه معماری بومی را تعریف می کند: این نوع مسکن بومی تجلی آنی ارزش های در حال تغییر و نیز تصویر خانه و جهان بینی و شیوه زندگی است و حاصل مجموعه ای از موقعیت هاست. (راپاپورت ۱۳۸۸) این نوع از معماری نیز هم بر فرهنگ تأثیرگذار است و هم از فرهنگ تأثیر می پذیرد. تمامی بناها و آثار بر جای مانده از گذشته که در اقلیم و جغرافیای مشخصی ساخته شده اند، گواهی تمامی مشخصه های مختص همان منطقه بوده است.

معماری بومی مازندران: یکی از ویژگی های برجسته فرم خانه های بومی این منطقه، استفاده از شکل های هندسی ساده و منظم، متناسب با تفکر انسانی و مصالح بومی و طبیعی منطقه در ساختن آن ها می باشد. تمام موارد ذکر شده نشان درونگرا بودن معماری بومی این منطقه همانند معماری بومی در سایر نقاط ایران است به طوری که ساختار بیرونی ساختمان بسیار ساده بدون هیچ گونه خودنمایی و تجملات بوده که می توان گفت این طرح پوششی برای فضای نفیس درون خانه به حساب می آمد (جعفری و ذبیحی ۲۰۲۱).

فضاهای بسته یا فضاهای داخلی خانه های بومی، از یک یا چندین اتاق، آشپزخانه و سرویس های بهداشتی تشکیل شده اند. اتاق ها فضای بسته با چند عملکرد می باشند که تمام فعالیت های یک خانواده از قبیل خوابیدن، غذا خوردن، دور هم نشینی و غیره می تواند در آن ها انجام گیرد. از این رو، مردمان بومی این منطقه، این فضای اتاق را «خانه» می نامند و در نامگذاری به مواردی همچون محل قرارگیری، عملکرد و اندازه اتاق توجه می نمایند. از آن جایی که اغلب خانواده های بومی این منطقه به خاطر شرایط شغلی (کشاورزی و دامپروری) و نیاز به نیروی انسانی پر جمعیت بوده و پیشینی تعداد اتاق های اختصاصی برای هر نفر امکان پذیر نبوده است. لذا بر این اساس، طراحی داخلی اتاق ها به گونه ای می باشد که نیاز تمام فعالیت های خانواده را در بر می گیرد (یزدانفر، حسینی ۱۳۹۱). اساسی ترین ویژگی نظام ساختار فضایی خانه های بومی این منطقه، وجود سه گونه فضایی: گونه باز (حیاط)، بسته (اتاق ها) و نیمه باز (ایوان) به صورت همزمان می باشد (حسن زاده و فلاح ۱۳۹۲).

دو گونه فضایی از هم جدانشدنی در خانه های بومی این منطقه، ایوان و حیاط می باشند که به واسطه وجود فعالیت های روزمره در زندگی (دامپروری، کشاورزی و آشپزی) از پویایی خاصی برخوردار هستند. همچنین ایوان و حیاط به عنوان فضایی برای ایجاد ارتباط با محیط و همسایه ها (جهت تعاملات اجتماعی) نیز به کار گرفته می شود. با توجه به ارتباطی که بین ساختار کالبدی خانه ها و بستری که ساختمان در آن بنا شده است، سازندگان توجه بیشتری به هماهنگی در رنگ، مصالح و فرم های مورد استفاده در بافت زمینه و اقلیم منطقه داشتند. برای سقف این ساختمان ها از فرم شیبدار استفاده می کردند که علاوه بر پاسخ دادن به محدودیت های اقلیمی (ایجاد حایل در برابر سرمای زمستان، بارش شدید و گرمای تابستان)، هماهنگی با خط آسمانی ایجاد شده با رشته کوه های البرز بود که از تمام نقاط این منطقه قابل رؤیت می باشد.



نمودار ۱- چارچوب نظری معماری بومی

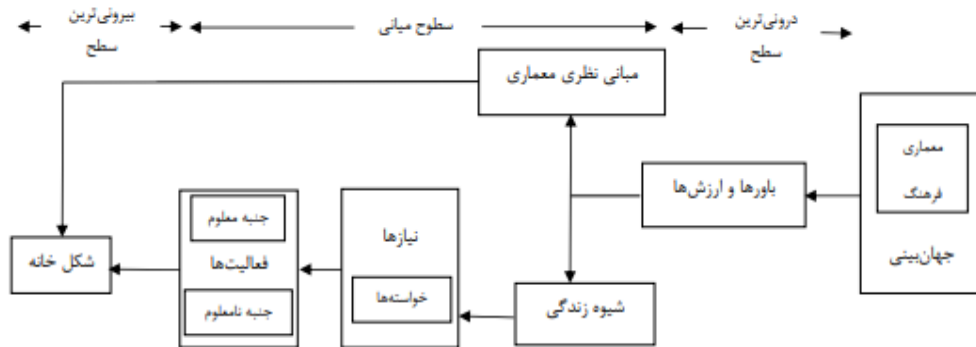
کندلوس: روستای کندلوس در دهستان زانوس رستاق از بخش کجور، شهرستان نوشهر و از قدیمی ترین مجتمع‌های واقع در شمال ایران در فاصله ۴۲ کیلومتری جاده اصلی (کرج_چالوس) و در ارتفاع ۱۴۰۰ متری از سطح دریا در دره موسوم به میخساز (شامل چهار دهکده به نام‌های پیده، گیل کلا، میرکلا و کندلوس) قرار گرفته است. قدمت پاره‌ای از آثار به جا مانده در محدوده روستا و دره میخساز به هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. روستای کندلوس از دو بخش جمعیت ثابت و فصلی برخوردار است و به همین علت اطلاعات دقیقی را نمی‌توان به ثبت رساند. بافت روستای کندلوس همگن نیست و شامل سه قسمت می‌باشد: عمده بافت دو بخش باغ مسکن و واحدهای مسکونی منفرد درون و باغات روستا و قسمت سوم روستایی یعنی خانه‌های ویلایی در قطعات زمین بزرگ که مورد استفاده غیربومیان و خانوارهای فصلی هستند عمدتاً در جنوب روستا شکل گرفته‌اند و کمترین تشابه حجمی و فضایی را با بقیه بافت روستا دارند و طرحی نو از مسکن را ارائه می‌دهند که به هیچ‌الگوی خاصی از معماری مشخصی وابسته نیز و فاقد ارزش شناخته شده اند (اسلامی ۱۳۹۴) مواد و مصالح به کار رفته در دیوارها گل سفید، پی سنگی و در بناهای جدید بلوک سیمانی نیز می‌باشد. در بعضی از خانه‌های کندلوس از اسکلت چوبی به نام کلچو استفاده می‌کنند که جنس این چوب‌ها راش، بلوط، سپیدار و انجیلی است که برای ساخت دیوارها، سقف و در و پنجره‌ها از آن‌ها استفاده می‌شود. اسکلت این خانه‌های چوبی است اما جنس دیوارهای خانه‌های سنتی از سنگ با ملات گل و کاه است که معمولاً تا یک متر ضخامت دارد اسلامی (۱۳۹۴).

۲-۳- فرهنگ

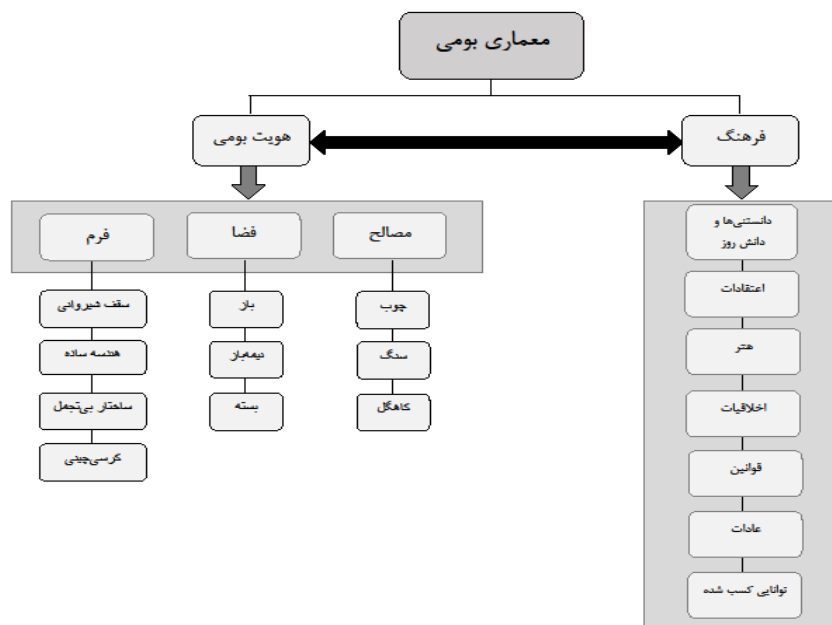
محققان سه تعریف در استفاده از فرهنگ‌ها را مشخص می‌نمایند، که شامل روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و عادات و آداب همسازی با محیط‌های مختلف می‌گردد. (پوردیهمی ۱۳۹۱). روش زندگی به شیوه زندگی انسان‌ها که انتخاب می‌کنند مربوط می‌شود و بر ایده‌آل‌ها قواعد و قوانین، رفتارهای روزمره زندگی و مانند آن استوار است. جنبه‌های ذهنی به طرح‌واره‌های ذهنی، انتخاب محیط‌های زندگی و شیوه استفاده از آن‌ها مربوط می‌گردد و از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند. همسازی با محیط به شیوه‌های استفاده از سیستم‌های منابع طبیعی مربوط است. لذا در ترکیب این جنبه‌های مختلف با یکدیگر می‌توان دریافت، که تاکید بر روش زندگی افراد و روش زندگی اجتماعی است و مسکن، نزدیکترین موضوع مرتبط با آنها می‌باشد. لذا در تمام شرایط، رفتارها در مسکن و در محیط‌های پیرامون آن در مقیاس‌های متفاوت باید به خوبی تجزیه، تحلیل و تعریف گردند، زیرا در مسکن (بعد معنایی ویژه‌ای) وجود دارد که به فرهنگ کاربران وابسته می‌گردد و نوع استفاده از آنها، مکان قرارگیری، شیوه‌های همجواری‌شان و وسعت سیستم را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (رحمتیان قادیکلای، ۱۴۰۰). راپاپورت (۲۰۰۳) این ارتباط بین فرهنگ و خانه را در شکل زیر به خوبی نشان داده است (جعفری و ذبیحی، ۲۰۲۱).

فرهنگ دارای عناصر درونی و بیرونی به هم پیوسته‌های است که درونی‌ترین سطح آن، ارزشهای و باورها قرار می‌گیرد و از نوع جهانبینی مردم استخراج می‌شود و در بیرونی‌ترین سطح آن مظاهر فرهنگ آشکار می‌شود و به واسطه این مظاهر که در عرصه‌های مختلف زندگی وجود دارد قادر به شناسایی فرهنگها و متمایز کردن آنها از هم دیگر خواهیم بود. در واقع، برای پی‌بردن به چگونگی تأثیرپذیری این عرصه‌ها از فرهنگ، باید سطوح قبلی و ارتباط آنها را با هم مورد تحلیل قرار داد (یزدانفر، حسینی، ۱۳۹۱). ادوارد تایلر تعریفی اینگونه بیان کرده است: فرهنگ مجموعه‌های پیچیده است که در برگیرنده دانستی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است (خاکپور

و مهدی (۱۳۹۰). ما نیز در این تحقیق عناصر فرهنگی روستای کندلوس را با استفاده از نظر ادوارد تایلر در مولفه‌های زیر بررسی کرده و در تحلیل داده‌های خود از نظر راپاپورت استفاده شده است.



نمودار ۲- مدل کلی برای سطح‌بندی فرهنگ در رابطه با شکل خانه (یزدانفر، حسینی، ۱۳۹۱)



نمودار ۳- چارچوب نظری تأثیر فرهنگی بر هویت معماری (مأخذ: نگارندگان)

۲-۴- رابطه فرهنگ و معماری

معماری به عنوان بستر اتفاق زندگی بشر یکی از تأثیر گذارترین هنرها در جهت نمایاندن فرهنگ عامه و الگوهای ساختاری آن در هر دوره است، و این امر باعث انعکاس کلیتی قابل بررسی و قضاوت از فرهنگ، تفکر و ناخود آگاه ملی، در معماری می‌شود (پرویزی، ۱۳۸۸). معماری نتیجه و حاصل فرهنگ جامعه است. نگاهی اجمالی به تاریخ معماری ایران و سایر تمدن‌های جهان نشان می‌دهد که هیچ اثر بزرگ معماری ای وجود ندارد که بر اساس اندیشه و جهان بینی پدید نیامده باشد. به این ترتیب می‌توان گفت که هر تمدن یا قومی در دوران مختلف، معماری خاصی را منطبق با فرهنگ خود ارائه می‌دهد. (فلامکی، ۱۳۷۱) معماری عرصه بروز روحيات، حالات، آرمانها و اعتقادات انسانها و نیز عرصه تالقی فرهنگ، هنر و فن است. پدیدآورندگان بناها، تاسیسات و فضاهای زیستنی اند. از این رو هر اثر معماری، اثر فرهنگی نیز محسوب می‌شود. به بیانی ساده، معماری تبلور فرهنگ و اندیشه انسان و تجلی عینی ارزشها و باورهای هر قوم و ملت است. اگرچه اعتقاد عموم معماران بر آن است که ساختار فرهنگی و اجتماعی هر ملت می‌تواند بر تظاهرات کالبدی و فضایی مصنوعات آن تأثیرگذار باشد، اما بدون تردید ویژگی‌های کالبدی و فضایی نیز می‌توانند در پویایی، استمرار و بر تغییر روابط اجتماعی و فرهنگ ملتها موثر باشند. (کریمیان، ۱۳۸۹). می‌توان تأثیر فرهنگ بر معماری را می‌توان در دو حوزه جداگانه بررسی کرد. نخست تأثیر فرهنگ بر فضاهای معماری و دوم تأثیر فرهنگ بر فرم (شکل) معماری.

عوامل تاثیر گذار بر فرهنگ: جغرافیای منطقه، تاریخ و رویدادهای قوم، زبان و ادبیات رایج در میان مردم، دین و مذهب، اقتصاد و شیوه معیشت مردم در پیدایش فرهنگ اثر گذاشته و در ترکیبی سازگار با یکدیگر، مجموعه ای از ارزشها و باورهای چیره را پدید می آورند که بر رفتار انسانی تاثیر می گذارد و ارتباط میان مردم را آسان می سازد (جلالی، ۱۳۹۶).

(خاکپور و عشقی، ۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبد روستاهای گیلان پرداخته و یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی مردم روستا متأثر از شرایط طبیعی و خصوصیات اقتصادی و کنشهای معیشتی استوار است که خود یکی از عوامل هماهنگی کنشهای اجتماعی و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می‌گردد و این عوامل در کنار یکدیگر به وجود آورنده همگونی بافت کالبدی است. مسئله اصلی در معماری معاصر جهان امروز، قطع ارتباط میان معماری بومی و نیازهای مدرن است. دلیل لزوم مرور راه‌حل‌های گذشته برای تطبیق با شرایط سخت آب و هوایی، این است که معماری آن روزها حاصل پیرویه متداوم معماری محلی بوده است که از نسلی به نسل دیگر در طی زمانی طولانی منتقل شده است و جایگاه و پیوستگی آن‌ها توسط خطا و آزمایش طی صدها سال آزمایش می‌شد. قطع ناگهانی این پیرویه در نتیجه راه‌حل‌های سریعتر و آسانتر فراهم شده توسط معماری مدرن، ما را وادار ساخت تا تمامی آن متدهای زیست محیطی را فراموش کنیم. یکی از سمبل‌های معماری پایدار و اقلیمی، معماری سنتی ایرانی است که به موضوع‌های اکولوژیکی و کارایی انرژی، هم به لحاظ پایین بودن قیمت اولیه و هم به لحاظ پایین بودن قیمت جاری و کارکردی بنا، پاسخگو بوده است (رحمتیان قادی‌کلائی، ۱۴۰۰). مسئله هویت در معماری را می‌توان به عنوان مشکل یافتن فرصت‌ها و مکانیسم‌ها، پالت وسایلی که به حفظ یا تولد هویت کمک می‌کند، تعبیر کرد (Shawket, 2018).

۳- روش شناسی پژوهش

با توجه به آنچه که در بنیان‌های نظری ذکر شد روش‌شناسی این پژوهش از نظر هدف توصیفی-تحلیلی بوده و به بررسی تاثیرات عوامل فرهنگی بر هویت معماری بومی و محلی به وسیله پرسشنامه محقق ساخته، پرداخته می‌شود. پرسشنامه‌ها را به روش نمونه گیری تصادفی از جامعه آماری کندلوس انتخاب شد. تعداد این جامعه ۱۰۹۲ نفر می‌باشد که بنا بر آنچه صفری (۱۳۹۷) در کتاب خود آورده است ۲۸۵ نفر، این تعداد به عنوان نمونه از جامعه آماری انتخاب شد. تحلیل داده‌های گردآوری شده توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام شد، در نهایت داده‌ها به صورت جداول آمار توصیفی و فراوانی و نمودارهای ستونی ارائه شد و در مرحله دوم که تجزیه و تحلیل استنباطی می‌باشد. بر این اساس در این تحقیق برای پاسخ به سوالات تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای و روش رتبه بندی فریدمن استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

جدول ۱- توزیع فراوانی مربوط به تحصیلات پاسخگویان

تحصیلات	تحصیلات پاسخگویان	
	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۶۳	۲۵,۲
دیپلم	۹۸	۳۹,۲
فوق دیپلم	۴۶	۱۸,۴
لیسانس	۳۹	۱۵,۶
فوق لیسانس	۴	۱,۶
کل	۲۵۰	۱۰۰٪

مطابق جدول (۱) فراوانی وضعیت تحصیل پاسخگویان مشاهده می‌گردد، براین اساس از کل پاسخگویان ۲۵,۲ درصد زیر دیپلم، ۳۹,۲ درصد دیپلم، ۱۸,۴ درصد فوق دیپلم، ۱۵,۶ درصد لیسانس و ۱,۶ درصد نیز فوق لیسانس بودند. در این تحقیق جهت محاسبه ضریب پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، چرا که تقریباً در همه موارد، آلفای کرونباخ را می‌توان شاخص کاملاً مناسب برای اعتبار و هماهنگی درونی به کار برد. در این روش اگر ضریب آلفا کمتر از ۶۰٪ باشد معمولاً اعتبار آن ضعیف تلقی می‌شود، دامنه ۷۰٪ قابل قبول و بیش از ۸۰٪ خوب تلقی می‌گردد (سکاران، ۱۳۹۱). در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه شد و از فرمول زیر برای محاسبه این ضریب استفاده شد:

$$r_{\alpha} = \frac{J}{J-1} \left(1 - \frac{\sum_{j=1}^n s_j^2}{S^2} \right)$$

همانطور که گفته شد در این تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. به این ترتیب که بعد از توزیع ۲۵ پرسشنامه به عنوان آزمون ابتدایی ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. که مقدار محاسبه شده مربوط به هر متغیر در جدول (۲) آمده است.

به گفته نونالی (۱۹۷۸) اگر آلفای کرونباخ از ۰,۷ بیشتر باشد، پرسشنامه دارای پایایی است. با توجه به نتایج جدول ۲ نتایج حاکی پایایی قابل قبول برای پرسشنامه تحقیق می‌باشد. نتایج آزمون تی استودنت بررسی عوامل موثر بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه کندلوس به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۲- ضریب پایایی بخش‌های پرسشنامه

عوامل	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
دانشی‌ها و دانش روز	۴	۰/۸۳۸
اعتقادات	۴	۰/۸۹۷
اخلاقیات	۴	۰/۹۱۶
هنر	۴	۰/۷۷۴
قوانین	۴	۰/۹۲۴
عادات	۵	۰/۹۱۳
توانایی‌ها	۵	۰/۸۸۸
کل	۳۰	۰/۸۷۹

- مقدار آماره آزمون t برای دانشی‌ها و دانش روز، برابر ۲۲/۷۸ و میانگین آن برابر (۴,۲۲) و بیشتر از ۳ است. همچنین مقدار احتمال (سطح معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ بوده است که چون کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، پس در سطح معنی داری ۹۹٪ می‌توان گفت دانشی‌ها و دانش روز بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه تأثیرگذار می‌باشد.

- مقدار آماره آزمون t برای اعتقادات، برابر ۱۱/۸۶ و میانگین آن برابر (۳,۸۷) و بیشتر از ۳ است. همچنین مقدار احتمال (سطح معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ بوده است که چون کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، پس در سطح معنی داری ۹۹٪ می‌توان گفت اعتقادات بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه تأثیرگذار می‌باشد.

- مقدار آماره آزمون t برای اخلاقیات، برابر ۱۳/۵۶ و میانگین آن برابر (۳,۹۹) و بیشتر از ۳ است همچنین مقدار احتمال (سطح معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ بوده است که چون کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، پس در سطح معنی داری ۹۹٪ می‌توان گفت اخلاقیات بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه تأثیرگذار می‌باشد.

- مقدار آماره آزمون t برای هنر، برابر ۱۹/۶۶ و میانگین آن برابر (۴,۰۹) و بیشتر از ۳ است همچنین مقدار احتمال (سطح معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ بوده است که چون کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، پس در سطح معنی داری ۹۹٪ می‌توان گفت هنر بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه تأثیرگذار می‌باشد.

- مقدار آماره آزمون t برای قوانین، برابر ۹/۵۰ و میانگین آن برابر (۳,۷۵) و بیشتر از ۳ است همچنین مقدار احتمال (سطح معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ بوده است که چون کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، پس در سطح معنی داری ۹۹٪ می‌توان گفت قوانین روز بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه تأثیرگذار می‌باشد.

- مقدار آماره آزمون t برای عادات، برابر ۱۴/۵۱ و میانگین آن برابر (۳,۹۷) و بیشتر از ۳ است همچنین مقدار احتمال (سطح معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ بوده است که چون کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، پس در سطح معنی داری ۹۹٪ می‌توان گفت عادات بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه تأثیرگذار می‌باشد.

جدول ۳- نتایج رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تغییر

جنبه‌های بومی معماری منطقه

اولویت	میانگین رتبه	عوامل اثرگذار بر حفظ جنبه‌های بومی معماری منطقه
۱	۴,۹۵	دانشی‌ها و دانش روز
۵	۳,۸۵	اعتقادات
۲	۴,۲۰	اخلاقیات
۳	۴,۱۷	هنر
۷	۳,۰۱	قوانین
۴	۴,۰۱	عادات
۶	۳,۸۰	توانایی‌ها

- مقدار آماره آزمون t برای توانایی‌ها، برابر ۱۴/۳۲ و میانگین آن برابر (۳,۹۴) و بیشتر از ۳ است همچنین مقدار احتمال (سطح معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ بوده است که چون کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، پس در سطح معنی داری ۹۹٪ می‌توان گفت توانایی‌ها بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه تأثیرگذار می‌باشد. در یک نگاه کلی یافته‌ها را می‌توان در نمودار ستونی زیر نشان داد.

در این بخش جهت رتبه‌بندی و اولویت بندی میزان اهمیت عوامل مؤثر بر تغییر جنبه‌های بومی معماری منطقه از آزمون فریدمن و محاسبه آماره کای دو استفاده شده است. که نتایج در جدول (۳) قابل مشاهده است.

۵- نتیجه‌گیری

همانطور که داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد عوامل فرهنگی نقش مؤثری در تغییر بافت بومی معماری منطقه داشته است، بیشترین تأثیر را دانشی‌ها و دانش روز و کمترین آن مربوط به قوانین می‌باشد. در نتیجه، بررسی عوامل فرهنگی می‌تواند زمینه‌های پیشگیری و یا حداقل کند شدن روند این تغییرات و حفظ هویت بومی معماری منطقه عامل کمک کننده‌ای باشد. عواملی چون دانشی‌ها و دانش روز عواملی اجتناب ناپذیر هستند و تغییرات فرهنگی ناشی از آن با توجه به تأثیرات کمتر قوانین تا حدودی غیرقابل پیشگیری به نظر می‌رسد اما با وضع قوانین و نظارت‌های مبتنی بر آن تا حدودی می‌توان به این امر جهت داد و آن را کنترل کرد. تغییرات زیبا شناختی جوامع انسانی که برخاسته از دانشی‌ها و علوم نوظهور و دسترسی سریع‌تر به تنوع سلیقه‌ها می‌باشد موضوعی جدی است که نیاز به ارائه بیشتر نمادهای بومی در این عرصه‌های جدید می‌باشد تا بدین وسیله امیدوار بود که نسل‌های جدید تمایل بیشتری به کاربرد آن در طراحی فضاهای اطراف خود داشته باشند. تمام عوامل فرهنگی بر یکدیگر اثرگذار هستند صرف جدا کردن این عوامل برای تحقیق پذیری آنها بوده است که این موضوع پرداختن همزمان به همه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی را خاطر نشان می‌سازد این موضوع که اخلاقیات یک جامعه ریشه در اعتقادات دارند و اعتقادات و اخلاقیات در نگاه ما به دانشی‌ها و هنر تأثیر دارند امری واضح و روشن است در نتیجه اگر ما به دنبال حفظ میراث گذشته هستیم باید این درهم تنیدگی

و پیچیدگی را پذیرفته و نمادهای معماری بومی را در بستر تغییرات حفظ کنیم. تغییرات اجتناب ناپذیر هستند، برنامه‌ریزان سیاسی و طراحان می‌توانند با استفاده از تحقیقات و واقع‌بینانه بستر این حفظ و توجه به هویت بومی را فراهم کنند.

منابع

۱. ارجمندی، ر. (۱۳۹۵). تاثیر عوامل فرهنگی و اقلیمی بر روند شکل‌گیری معماری. دومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم.
 ۲. اسلامی، م. ع. ر. ب. م. ا. (۱۳۹۴). کندلوس، بنیاد مسکن جمهوری اسلامی.
 ۳. امین‌زاده، ب. (۱۳۸۹). "ارزیابی زیبایی و هویت مکان." هویت شهر
 ۴. پاکزاد، ج. (۱۳۸۶). "مقالاتی در باب طراحی شهری."
 ۵. پرویزی، ا. (۱۳۸۸). "معماری ملی از دیدگاه هویت فرهنگی." فصلنامه مطالعات ملی
 ۶. پوردیهمی، ش. (۱۳۹۱). "شهر و مسکن و مجموعه‌ها." آرمانشهر
 ۷. جعفری، ا. و ح. ذبیحی (۲۰۲۱). "تأثیر فرهنگ بر فرم خانه‌های بومی شمال ایران، مورد مطالعاتی: خانه‌های بومی بابل و بابلسر." معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۴(۳۵): ۷۷-۹۰.
 ۸. جلالی، م. (۱۳۹۶). "فرهنگ و عوامل موثر بر آن." magiran 70.
 ۹. حسن‌زاده، م. و م. فلاح (۱۳۹۲). "ساختار و کارکرد در معماری آیینی مازندران مطالعه موردی سفانفراهای فریدونکنار." توسعه اجتماعی - فرهنگی
 ۱۰. خاکپور، م. و م. شیخ (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان." مدیریت شهری .
 ۱۱. خاکپور، م. و ح. ص. عشقی (۱۳۹۲). "بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی ب بافت کالبدی روستای گیلان." مسکن و محیط روستا.
 ۱۲. خاکپور، م. و ع. ش. مهدی (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان." مدیریت شهری.
 ۱۳. راپاپورت، آ. (۱۳۸۸). انسان شناسی مسکن، حرفه هنرمند.
 ۱۴. رحمتیان قادیکلائی، ع. (۱۴۰۰). بررسی اصول معماری ابنیه در منطقه جلگه مازندران و وا کاوی علل پیدایش تغییرات هویتی، از دوران پهلوی تا به امروز (نمونه موردی روستای نفت چال). هفتمین کنگره سالانه بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری.
 ۱۵. سلسله، ع. و م. سلسله (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر عوامل هویت ایرانی-اسلامی بر زیبایی شهر." آرمان شهر.
 ۱۶. فلامکی، م. (۱۳۷۱). "شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب" نشر فضا .
 ۱۷. فلامکی، م. (۱۳۸۳). "باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی."
 ۱۸. کریمی، م. (۱۳۹۴) شناختی بر عوامل اساسی و تأثیرگذار هویت شهری کنفرانس بین‌المللی عمران-معماری و شهرسازی موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز.
 ۱۹. کریمیان، ح. (۱۳۸۹) نمادهای فرهنگی در مناظر شهری بیان معنا، حس هویت و آرامش روح. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی
 ۲۰. گروت، و. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در معماری تهران، سروش دانش.
 ۲۱. محدی، س. ن. (۱۳۸۸). "درک سرشت فضای معماری، با تامل بر تشابه فضا در سکومنتگاه های بومی."
 ۲۲. محمدآذرمینا (۱۳۹۶). معماری و هویت شهری. پنجمین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی ایران.
 ۲۳. یاسمی، ف. و ف. کاتب (۱۳۹۴). بررسی معقوله فرهنگ در معماری خانه بومی. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی.
 ۲۴. یزدانفر، ع. (۱۳۹۱). فرهنگ و شکل خانه، مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر، مسکن و محیط روستا .
25. Shawket, I. M. (2018). "Identity in urban spaces of residential compounds:
26. Contributing to a better environment." HBRC Journal 14(2).